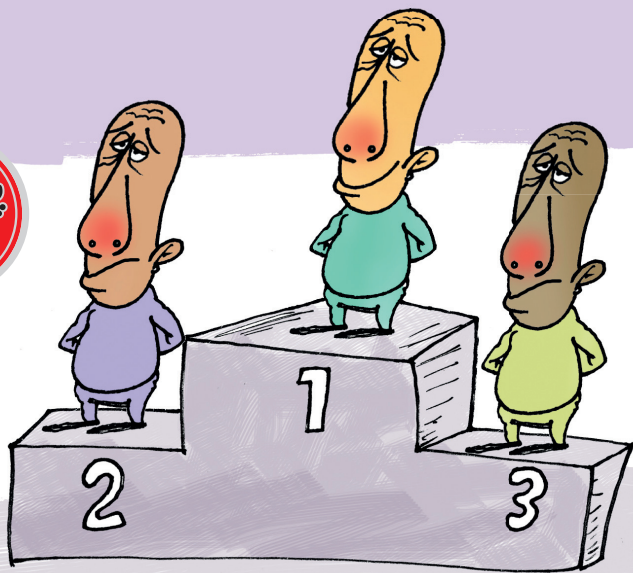




فوق‌دراستی فرهنگی!

رضا باقری شرف

اشاره:

راستش قرار بود فقط در شماره قبلی، «پسرانه» و «دخترانه» در یک صفحه با هم بیایند. البته نه این که فکر کنید «پسرانه» از این باج‌ها می‌دهد که همین یک گله جا را هم با «دخترانه» سهیم شود!

نه خیر! از این خبرها نیست.

چه کنیم که مسئول صفحه «دخترانه» یک مدتی برای خودشان مرخصی رد کرده‌اند و مرام ما هم قبول نمی‌کند که چراغ این صفحه خاموش شود! فعلاً چاره‌ای نیست جز این که ما جان بکنیم و برای صفحه پسرانه مطلب بنویسیم، دست آخر هم لوگوی «دخترانه» شترق بخورد کنار لوگوی این صفحه! برویم سراغ اصل مطلب: «اگر برای ادامه تحصیل، فیل‌مان یاد هندوستان افتاد و هوس کردیم برای خالی نماندن عریضه و روکم کنی بچه‌های عمه و خاله و دایی و... یک نیمچه مدرکی هم از دانشگاه آن‌ور آب بگیریم؟ بیه چه مشکلاتی را باید به تن بمالیم؟!» ما برای شما از این مشکلات خواهیم گفت، که فردا روز همه جا صفحه نگذارید که کسی نبود ما را انذار و تنذیر کند!

۱. چپ‌تان پر است؟

این یک اصطلاح است. یعنی وضع جیب آبی در چه حال است؟!

بعد از گذراندن هفت خان رستم، مثل بالا بردن معدل دوره کارشناسی یا دیپلم برای گرفتن توصیه نامه، گذراندن دوره‌های فشرده زبان، مثل تافل و GRE، تقاضای ویزای کشور مقصد و... تازه مشکلات شروع می‌شوند. همه این کارها که حل بشوند و شما بهترین رشته را هم که انتخاب کنید، بلاد غربت است و هزار خرج و مخارج.

اگر بورسیه باشید مطمئناً با کمک هزینه‌ای که دانشگاه به شما خواهد داد، تمام مخارج‌تان تأمین نخواهد شد. بورسیه تحصیلی را هم که اخذ کنید، هنوز سالانه ۵ تا ۱۰ هزار دلار (همان پنج الی ده میلیون تومان خودمان) نیاز دارید. اگر هم بورسیه گیرتان نیاید مخارج شهریه

دانشگاه و هزینه خورد و خوراک اجاره مسکن یا شهریه خوابگاه هم قوز بالا قوز خواهد شد. هزینه‌های ایاب و ذهاب به ایران هم پیشکش!

۲. آداب اجتماعی غربی دارید؟!

تجربه هزاران جوان ایرانی که در دانشگاه‌های کشورهای مختلف تحصیل کرده‌اند، نشان می‌دهد یکی از مشکلاتی که در بدو ورود دانشجویهای جدید برایشان پیش می‌آید، جا افتادن در محیط جدید و تطابق با قواعد اجتماعی و وضعیت اقتصادی آن‌جاست. خیلی وقت‌ها دانشجوی بخت برگشته جدیدالورود، بی آن که بداند، کاری را انجام می‌دهد که پیامدهای قانونی برایش در پی خواهد داشت!

۳. شبتیل برای دانشجویهای غیر بورسیه!

در بند اول اشاره کوچکی به این موضوع داشتیم که اگر بورسیه تحصیلی گیرتان نیاید، مشکلات‌تان چند برابر خواهد شد.

اما بد نیست موضوع را کمی بازتر کنیم:

الف - هزینه زندگی ماهیانه: ۱۸۰۰ - ۱۰۰۰ دلار.

ب - شهریه دانشگاه، بیمه، کتب درسی: ۳۵ - ۱۰ هزار دلار در سال.

* لپ کلام: در سال ۲۰۰۹ میلادی، هزینه یک دوره کارشناسی ارشد دو ساله در آمریکا، بدون کمک هزینه (بورسیه تحصیلی) بین ۱۰۰ - ۴۰ هزار دلار، آب می‌خورد! (شرمنده که این قیمت را نتوانستیم به نرخ روز بنویسیم!)

۴. از کدام نژادی؟

چه کسی گفته که نژادپرستی و تبعیض بین قومیت و رنگ‌ها از بین رفته؟!

این مسئله مخصوصاً در جوامع غربی هنوز دردسر ساز

است. نمونه بارز این مشکل، سختی‌هایی است که ایرانیان مقیم آمریکا تحمل می‌کنند.

حجاب خانم‌های ایرانی (البته کسانی که پایبند به حجاب در محیطی غیر از ایران هستند!) باعث تحقیرشان می‌شود و در کل به ایرانی‌ها در آمریکا خیلی هم خوش نمی‌گذرد و به آن‌ها به چشم تروریست نگاه می‌شود. علی‌الخصوص که بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر، پذیرایی فرهنگی آمریکایی‌ها، از ایرانی‌ها خیلی متفاوت شده! در تمام طول اقامت، دانشجویهای ایرانی زیر ذره‌بین هستند و بساط انگشت‌نگاری هم که قربانش بروم به هر بهانه‌ای بر پا می‌شود!

۵. دانشگاه دارغوزآباد سفلی!

مشکلات تحصیل در خارج از کشور همین چند مورد نیستند.

مشکلاتی مثل ویزا، از بین رفتن فرصت‌های شغلی در داخل کشور، دوری از خانواده، دشواری بازگشت به ایران برای تجدید دیدار خانواده، برآورده نشدن انتظارات، عدم موفقیت تحصیلی، تفاوت اعتقادات مذهبی و... مثل مته روی اعصاب دانشجویان ایرانی خارج از کشور است.

اما قبل از پذیرفتن تمام این مشکلات باید دید دانشگاهی که برای ادامه تحصیل انتخاب کرده‌ایم، در سطح بین‌المللی مطرح هستند و مدرک اعطایی آن‌ها اعتبار دارد یا مثل خیلی از دانشگاه‌های اروپایی و آسیای میانه شرقی، حکم رنگ تفریح را دارند و به درد لب کوزه می‌خورند؟!

تعداد افرادی که از طریق آگهی‌های اینترنتی یا معرفی دوستان و آشنایان و یا از هر طریق دیگری، جذب دانشگاه‌های نامعتبر شده‌اند، کم نیست.

برخی از این دانشگاه‌ها حتی در حد دانشگاه‌های فاقد امکانات خودمان هم نیستند و از همه بدتر این که مدرکی که به دانشجوی خود اعطاء می‌کنند، در همان کشور هم به سختی اعتبار دارد، چه برسد به کشورهای دیگر...

یکه‌و به خودتان نیایند و ببینید هم پول‌تان رفت و هم عمرتان؟!

